



Different Types of Left Dislocation in Persian

Zeinab Homayouni¹, Rezvan Motavalian Naeini², Batool AliNezhad³

1. Ph.D. Student, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: z.homayouni62@gmail.com
2. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Linguistics, Faculty of Foreign Languages, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: r.motavalian@fgn.ui.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Linguistics, University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: b.alinezhad@fgn.ui.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 06 Oct 2022

Received in revised form:
15 Dec 2022

Accepted: 20 Dec 2022

Available online: 22 June
2023

Keywords:

left dislocation,
resumptive element,
syntactic connectivity,
distributional constraint,
reconstruction.

The present study introduces and examines the characteristics of different types of Left Dislocation constructions in Persian language. Left Dislocation (LD) is a construction in which an element instead of being in its original position of sentence is located at the beginning of the clause and a resumptive element takes its canonical place. This study, which is based on the criteria introduced by Cinqué (1990) and Westbury (2016) to identify and determine the types of LD, shows that the Persian language has two types of such construction: Hanging Topic Left Dislocation (HTLD) and Clitic Left Dislocation (CLLD). In order to prove the existence of these two types of LD in Persian language, this research studies the structural differences of these two constructions from two aspects: syntactic connectivity and distributional constraints governing them. This study shows that in Persian there are more distributional constraints on HTLD than CLLD. On the other hand, there is less syntactic connectivity between the initial element and the continuation of the clause in HTLD compared with CLLD.

Cite this article: Homayouni, Z., Motavalian Naeini, R., & AliNezhad, B. (2023). Different types of left dislocation in Persian. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (2), 101-117.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.8335.1665



انواع مختلف ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی

زینب همایونی^۱، رضوان متولیان نایینی^۲، بتول علی‌نژاد^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: z.homayouni62@gmail.com
۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: r.motavalian@fgn.ui.ac.ir
۳. دانشیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: b.alinezhad@fgn.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

در پژوهش حاضر ویژگی‌های انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی معرفی و بررسی می‌شود. در ساخت چپ‌نشانی، سازه‌ای از جمله به‌جای قرارگرفتن در جایگاه اصلی خود، در آغاز بند واقع می‌شود و جای آن را عنصری جایگزین اشغال می‌کند. این مطالعه که بر مبنای معیارهای معرفی شده توسط چینکونه (۱۹۹۰) و وستبری (۲۰۱۶) برای تشخیص و تعیین انواع ساخت چپ‌نشانی صورت می‌پذیرد، نشان می‌دهد که زبان فارسی دارای دو نوع ساخت چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی است. برای اثبات وجود این دو نوع چپ‌نشانی در زبان فارسی، در این پژوهش، تفاوت ساختاری چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی از دو جنبه میزان ارتباط نحوی عنصر چپ‌نشان و بند مربوطه و محدودیت‌های توزیعی حاکم بر این ساخت‌ها مطالعه می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که در ساخت چپ‌نشانی منفصل نسبت به ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در زبان فارسی، بین سازه آغازین و ادامه بند ارتباط نحوی کمتری برقرار است؛ در مقابل، بر ساخت چپ‌نشانی منفصل در مقایسه با ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی محدودیت‌های توزیعی بیشتری حاکم است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴ مهر ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۲۴ آذر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۹ آذر ۱۴۰۱

دسترسی برخط: ۱ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

چپ‌نشانی،

عنصر جایگزین،

ارتباط نحوی،

محدودیت‌های توزیعی،

بازسازی.

استاد: همایونی، زینب؛ متولیان نایینی، رضوان؛ علی‌نژاد، بتول (۱۴۰۲). انواع مختلف ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۲)، ۱۰۱-۱۱۷.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2022.8335.1665



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

در پژوهش حاضر به ساختی می‌پردازیم که در آن، جمله در حالت نشان‌دار است و سازه‌ای از آن به‌جای قرارگرفتن در جایگاه اصلی، در ابتدای بند قرار می‌گیرد و جای اصلی آن را عنصری هم‌مرجع اشغال می‌کند. در متون پژوهشی به چنین ساخت‌هایی چپ‌نشانی می‌گویند. جمله (۱) نمونه‌ای از ساخت چپ‌نشانی در زبان انگلیسی است. در این جمله، سازه چپ‌نشان اسم خاص Peter است که در جایگاه اصلی آن یعنی مفعول صریح جمله، ضمیر him، به‌عنوان عنصر جایگزین قرار گرفته است.

1) Peter_i, I've known him_i for a long time.

در چارچوب نظریه‌های زایشی، نخستین بار راس^۳ (۱۹۶۷) ویژگی‌های ساخت چپ‌نشانی در زبان انگلیسی را مطالعه و توصیف کرد (ریمزدیک،^۴ ۱۹۹۷: ۱). پس از راس، پژوهشگران کوشیدند تا چپ‌نشانی را در زبان‌هایی به‌جز زبان انگلیسی توصیف کنند. نتیجه پژوهش‌های بیشتر در زبان‌های مختلف نشان داد به‌لحاظ ویژگی‌های ساختاری، انواع متفاوتی از این ساخت در زبان‌های مختلف وجود دارد. زبان‌شناسان متعددی چون چینکوئه^۵ (۱۹۹۰)، ریمزدیک (۱۹۹۷)، وت^۶ (۱۹۸۱) و وستبری^۷ (۲۰۱۶) با ارائه استدلال‌های نحوی نشان دادند که چپ‌نشانی انواع متفاوتی دارد که این تفاوت می‌تواند از مسائلی همچون میزان حساسیت این ساخت‌ها به محدودیت جزایر نحوی^۸، تعبیر سازه آغازین از منظر بازسازی^۹ یا محدودیت‌های توزیعی حاکم بر این ساخت‌ها ناشی شود. در مطالعات صورت‌پذیرفته در این زمینه، ساخت چپ‌نشانی با توجه به معیارهای مذکور، اغلب به سه دسته چپ‌نشانی منفصل،^{۱۰} چپ‌نشانی واژه‌بستی^{۱۱} و چپ‌نشانی تقابلی^{۱۲} دسته‌بندی می‌شود که هر زبان ممکن است شامل یک یا بیش از یکی از انواع این ساخت‌ها باشد (ریمزدیک، ۱۹۹۷: ۴).

در زبان فارسی، چپ‌نشانی به ساخت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن بخش دوم یک ترکیب اضافی

1. marked
2. left dislocation
3. J. Ross
4. H. Riemsdijk
5. G. Cinque
6. J. Vat
7. J. Westbury
8. syntactic islands constraint
9. reconstruction
- 1 . hanging topic left dislocation
- 1 . clitic left dislocation 1
- 1 . contrastive left dislocation 2

یا متمم گروه حرف اضافه به‌جای قرار گرفتن در جایگاه بی‌نشان خود در جمله، در آغاز بند واقع شود و در جایگاه اصلی آن ضمیر متصلی هم‌نمایه قرار گیرد. چنین ساختی در مطالعات پژوهشی این زبان بیشتر تحت عنوان فک اضافه معرفی شده است (صادقی، ۱۳۴۹؛ درزی، ۱۳۸۵؛ تفکری رضایی، ۱۳۹۰). اما دبیرمقدم (۱۳۶۹) با اشاره به این مطلب که این فرایند علاوه‌بر بخش دوم ترکیب اضافه می‌تواند متمم حرف اضافه را در ابتدای بند قرار دهد، اصطلاح مبتداساز ضمیر‌گذار را عنوان مناسب‌تری برای این ساخت می‌داند. همچنین، کریمی (۱۹۹۰) و قمشی (۱۹۹۷) این ساخت را تحت عنوان مقیدکننده واژه‌بست و معزی‌پور (۱۳۹۸) آن را تحت عنوان چپ‌نشانی بررسی کرده‌اند. اگرچه رسم‌الخط زبان فارسی از راست به چپ است، در پژوهش حاضر برای هماهنگی با مطالعات انجام‌شده در دیگر زبان‌ها، شیوه آوانگاری زبان را در نظر گرفته و به پیروی از معزی‌پور از عنوان چپ‌نشانی برای ساخت مورد نظر بهره برده‌ایم.

در این پژوهش با در نظر گرفتن این امکان که یک زبان می‌تواند شامل انواع متفاوتی از ساخت چپ‌نشانی باشد و در پاسخ به این پرسش که زبان فارسی دارای کدام یک از انواع ساخت چپ‌نشانی است، این فرضیه را مطرح می‌کنیم که زبان فارسی به‌جز ساختی که در آن عنصر جایگزین الزاماً یک واژه‌بست (ضمیر متصل) است، از نوع دیگری از چپ‌نشانی، تحت عنوان چپ‌نشانی منفصل نیز برخوردار است. در چپ‌نشانی منفصل، عنصر جایگزین به‌جز واژه‌بست، می‌تواند یک ضمیر منفصل یا یک عبارت توصیفی باشد. نکته درخور توجه در مورد انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی، حضور یا عدم حضور تکواژ «را» پس از سازه چپ‌نشان است. دبیرمقدم (۱۳۶۹) معتقد است که اگر سازه چپ‌نشان از درون گروه اسمی مفعول یا متمم گروه حرف اضافه باشد، وجود نشانه «را» پس از آن اجباری است. بنابراین، در قالب تحلیل دبیرمقدم جملات (۲) و (۳) غیردستوری است. اما درزی (۱۳۸۵) با ارائه این دو جمله و تأکید بر وجود مکتبی کوتاه پس از سازه‌های چپ‌نشان در این جملات، نشان می‌دهد که نشانه «را» همراه با سازه آغازین در چنین ساخت‌هایی اجباری نیست.

(۲) رضا، شهرداری خوشو خراب کرده (درزی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

(۳) حسن، اونا ازش هیچ چیز نمی‌خرن.

از نظر نگارندگان نیز این جملات خوش‌ساخت هستند؛ البته بررسی و در نظر گرفتن مشخصات آوایی و ساختاری این جملات ضروری است؛ زیرا نگارندگان معتقدند در جملات (۲) و (۳) در

مقایسه با جملات متناظر (۴) و (۵) با دو ساخت متفاوت و دو شیوه اشتقاق متفاوت مواجهیم و نمی‌توانیم آن‌ها را یکی بدانیم. در ادامه این پژوهش با معرفی انواع متفاوت ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی، نشان خواهیم داد که جملات (۲) و (۳) نمونه‌هایی از چپ‌نشانی منفصل در زبان فارسی هستند و با جملات (۴) و (۵) که نمونه‌هایی از چپ‌نشانی واژه‌بستی هستند، متفاوت‌اند.

(۴) رضا رو شهرداری خوشو خراب کرده.

(۵) حسن رو اونا هیچ چیز ازش نمی‌خرن.

برای محک‌زدن این فرضیه، در پژوهش حاضر، براساس ویژگی‌های چپ‌نشانی‌ای که وستبری (۲۰۱۶) برشمرده است، انواع ساخت‌های چپ‌نشانی معرفی و دسته‌بندی می‌شوند. پس‌از آن، ویژگی‌های نحوی انواع چپ‌نشانی در زبان فارسی بررسی و مقایسه می‌شوند.

این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. در بخش دوم، چارچوب نظری پژوهش حاضر یعنی مطالعه وستبری (۲۰۱۶) معرفی شده است. بخش سوم به معرفی انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی اختصاص یافته است. در بخش چهارم ویژگی‌های ساختاری انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی بررسی و مقایسه شده است. در بخش پنجم خلاصه‌ای از آنچه در این پژوهش انجام شده، ارائه شده است.

۲- انواع ساخت چپ‌نشانی از دیدگاه وستبری (۲۰۱۶)

براساس پژوهش‌های انجام‌شده در زبان‌های مختلف و طبق نظر لمبرکت (۲۰۰۱: ۱۰۵۱) به‌نقل از وستبری (۲۰۱۶: ۲۲) مبنی بر اینکه چپ‌نشانی در اغلب (و شاید همه) زبان‌های شناخته‌شده، مشاهده شده است، می‌توان چپ‌نشانی را یک پدیده زبانی جهانی دانست. وستبری (۲۰۱۶) با بیان این مطلب، به مقایسه مشخصه‌های نحوی-معنایی ساخت چپ‌نشانی در زبان‌های مختلف پرداخته و در تلاش است که یک الگوی کلی برای این ساخت به‌دست دهد. وی اذعان می‌دارد که برخی از ویژگی‌های ساخت چپ‌نشانی زبان‌ویژه یا مختص یک خانواده زبانی هستند؛ درحالی‌که برخی از ویژگی‌های این ساخت عمومی‌تر و جهانی هستند. وی به پیروی از لمبرکت (۲۰۰۱) معتقد است که چپ‌نشانی سرنمون‌آدر بیشتر زبان‌ها دارای ویژگی‌های زیر است:

الف. یک سازه ارجاعی، قبل از بندی که با آن در ارتباط است واقع می‌شود؛

1. K. Lambrecht

2. prototypical left dislocation

ب. جایگاه اصلی سازه آغازین در بند با یک عنصر هم‌مرجع اشغال می‌شود؛
 ج. این عنصر جایگزین می‌تواند یک ضمیر معمولی یا واژه‌بستی یا یک عبارت توصیفی برای سازه آغازین باشد؛
 د. آهنگ سازه آغازین به گونه‌ای است که آن را از بند جدا می‌کند.

بر پایه این نظر، حضور یا عدم حضور عنصر هم‌مرجع با عنصر آغازین در بند، معیاری برای تشخیص ساخت چپ‌نشانی است. این مطلب را نخستین بار راس (۱۹۶۷) مطرح کرد. طبق نظر راس (۱۹۶۷):
 ۲۳۲ به نقل از رادمن؛ ۱۹۷۴: ۳۱)، حضور عنصر هم‌مرجع با سازه آغازین، ساخت چپ‌نشانی را از ساخت مشابه آن یعنی مبتداسازی متمایز می‌کند. در مبتداسازی، سازه‌ای در جایگاه آغازین واقع می‌شود و جایگاه اصلی آن در بند خالی می‌ماند. داده (۶) از زبان انگلیسی تفاوت این دو ساخت را نشان می‌دهد. جمله (۶ a) ساختی بی‌نشان است. در جمله (۶ b) مفعول صریح تحت فرایند مبتداسازی در جایگاه آغازین بند واقع شده و جایگاه اصلی آن در جمله خالی مانده است. جمله (۶ c) نمونه‌ای از ساخت چپ‌نشانی است که در آن مفعول صریح در آغاز بند واقع شده و جایگاه اصلی آن را در بند یک ضمیر شخصی اشغال کرده است.

6) a. Many boys would like to kiss Sarah Bernstein.

b. Sarah Bernstein many boys would like to kiss.

c. Sarah Bernstein, many boys would like to kiss her. (Rodman, 1974: 31)

عنصر جایگزین علاوه بر اینکه معیار تشخیص ساخت چپ‌نشانی است، تعیین‌کننده نوع آن هست. وستبری (۲۰۱۶: ۲۴) برای معرفی انواع ساخت چپ‌نشانی، از این منظر، این ساخت را به دو دسته (الف) و (ب) تقسیم‌بندی کرده است. در چپ‌نشانی نوع (الف)، عنصر جایگزین می‌تواند یک ضمیر منفصل یا متصل و حتی یک عبارت توصیفی برای سازه آغازین باشد؛ مانند نمونه‌ای از چپ‌نشانی که در زبان انگلیسی وجود دارد. از این نوع چپ‌نشانی در متون پژوهشی تحت عنوان چپ‌نشانی منفصل یاد می‌شود. داده (۷) نمونه‌ای از ساخت چپ‌نشانی منفصل در زبان انگلیسی است که در آن عنصر جایگزین یک ضمیر منفصل است و داده (۸) نمونه‌ای از این ساخت در زبان انگلیسی است که عنصر

1. R. Rodman

2. topicalization

۳. این اصطلاح در مفهوم عام خود به هر نوع فرایند نحوی اطلاق می‌شود که در آن عنصری برای کاربرد مبتداسازدن، به آغاز جمله حرکت کند. اما در این پژوهش، از این اصطلاح در مفهوم خاص آن یعنی فرایند نحوی حرکت‌دادن سازه‌ای به ابتدای جمله و خالی‌ماندن جایگاه اصلی آن در جمله بدون توجه به کاربرد آن بهره می‌بریم.

جایگزین در آن یک عبارت توصیفی است.

7) John, Mary doesn't like **him**.

8) John, Mary doesn't like **that little bastard**. (Cinque, 1990: 100)

چپ‌نشانی نوع (ب) خود شامل دو نوع چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی تقابلی است. در چپ‌نشانی واژه‌بستی که در زبان‌هایی چون ایتالیایی، اسپانیایی و یونانی به کار می‌رود، همچون داده (۹) از زبان اسپانیایی، در جای اصلی سازه چپ‌نشان در جمله الزاماً از یک واژه‌بست استفاده می‌شود. در چپ‌نشانی تقابلی عنصر جایگزین، یک ضمیر اشاره است که این ضمیر اشاره در مراحل بعدی اشتقاق، به‌اجبار به گروه متمم‌نما ارتقا می‌یابد. این نوع چپ‌نشانی در زبان هلندی ساختی رایج است. داده (۱۰) نمونه‌ای از ساخت چپ‌نشانی تقابلی در این زبان است.

9) [A sus amigos]_i, Pedro los_i invite a cenar

ACC his friends Pedro CL-ACC invited-3sg to dine

As for his friends, Pedro invited them to dine (Westbury, 2016: 24)

10) Die man, **die** ken ik niet

That man, that-one know I not

That man, I don't know (Vat, 1981: 70)

علاوه بر صورت ظاهری عنصر جایگزین، دو نوع چپ‌نشانی (الف) و (ب) در الگوهای ارتباط نحوی عنصر آغازین با بند مربوطه نیز متفاوت هستند. به‌عنوان نمونه، میزان ارتباط نحوی که از طریق بازسازی در صورت منطقی نشان داده می‌شود، در چپ‌نشانی منفصل نسبت به چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی تقابلی کمتر است (چینکوئه، ۱۹۹۰: ۹۶). همچنین، حساسیت چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی تقابلی به محدودیت‌های مربوط به همجواری مانند جزایر نحوی در مقابل عدم حساسیت چپ‌نشانی منفصل به چنین محدودیت‌هایی، نشان از آن دارد که سازه آغازین در چپ‌نشانی‌های واژه‌بستی و تقابلی نسبت به سازه آغازین در چپ‌نشانی منفصل به بند اصلی مرتبط‌تر است. داده‌های (11 a, b) به ترتیب نمونه‌هایی از چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی در زبان یونانی است. علت بدساختی جمله (b) حساسیت ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی به جزایر نحوی است. از آنجایی که جایگاه اصلی سازه آغازین این جمله در یک بند موصولی است، چپ‌نشان کردن آن، ساختی نادستوری به دست داده است. در مقابل، دستوری بودن جمله (a) نشان می‌دهد که چپ‌نشانی منفصل به جزایر نحوی حساسیت کمتری دارد.

11) a. [I Maria]_i htes gnorisa ton andra pu tin_i pandreflike

the Mary-NOM yesterday met the man that her married

"As for Mary, I met yesterday the man that married her"

b. *[Tin Maria]_i htes gnorisa ton andra pu tin; pandreftike
the Mary-ACC yesterday met the man that her married (Westbury,
2016: 25)

علاوه بر تفاوت‌های یادشده، دو نوع چپ‌نشانی (الف) و (ب) به‌لحاظ محدودیت‌های توزیعی و الگوهای نحوی نیز متفاوت هستند. برای نمونه، چپ‌نشانی منفصل تنها به چپ‌نشان کردن یک عنصر مجاز است؛ در حالی که در نوع واژه‌بستی به‌لحاظ نظری، در تعداد عناصر آغازین محدودیتی وجود ندارد (وستبری، ۲۰۱۶: ۲۶). البته در مقایسه دو ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی و تقابلی توجه به این نکته ضروری است که برخلاف ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی، تعداد عناصر چپ‌نشان در چپ‌نشانی تقابلی نمی‌تواند بیش از یکی باشد. این مسئله را می‌توان پیامد حرکت ضمیر جایگزین به جایگاه نهایی دانست. این حرکت محدودیت‌های همجواری و در نتیجه، محدودیت در تعداد عناصر چپ‌نشان را در پی دارد.

مسئله دیگر اینکه برخلاف چپ‌نشانی‌های واژه‌بستی و تقابلی که هم در بندهای پایه و هم در بندهای پیرو امکان وقوع دارند، چپ‌نشانی منفصل تنها در بندهای پایه رخ می‌دهد (چینکوئه، ۱۹۹۰: ۹۶؛ وستبری، ۲۰۱۶: ۲۷).

بنابر توضیحات ارائه‌شده، ساخت چپ‌نشانی در زبان‌های مختلف به‌لحاظ ساختاری انواع متفاوتی دارد. در پژوهش حاضر برپایه ویژگی‌های چپ‌نشانی سرنمون که وستبری (۲۰۱۶) معرفی کرده است، ساخت‌هایی از زبان فارسی را معرفی می‌کنیم که می‌توان آن‌ها را چپ‌نشانی دانست؛ سپس به تفاوت‌های ساختاری آن‌ها می‌پردازیم.

۳- انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی

از آنجایی که در مطالعات مربوط به زبان فارسی، زبان‌شناسان به عنصر «را» توجه ویژه‌ای داشته‌اند، برای معرفی نقش دستوری و کاربردی این عنصر، ساخت چپ‌نشانی را نیز در کنار دیگر ساخت‌هایی معرفی کرده‌اند که در آن‌ها استفاده از «را» اجباری است. در این صورت، طبیعی است که در این مطالعات، تنها به نوع خاصی از چپ‌نشانی در این زبان پرداخته شده باشد. در مطالعات پیشین زبان فارسی، تنها به ساخت‌هایی در این زمینه پرداخته شده است که در آن مانند داده (۹)، بخش دوم یک ترکیب اضافی یا مانند داده (۱۰)، متمم حرف اضافه به‌جای قرار گرفتن در جایگاه اصلی خود در بند، در جایگاه آغازین قرار گرفته است؛ در صورتی که این فرایند بر سازه‌ای به‌غیر از فاعل اعمال شود، با «را» همراه می‌شود و

جایگاه اصلی آن را در بند الزاماً یک واژه‌بست اشغال می‌کند. در پژوهش حاضر چنین ساخت‌هایی را به دلیل اجبار استفاده از واژه‌بست، تحت عنوان چپ‌نشانی واژه‌بستی مطالعه می‌کنیم.

(۹) ماشین رو درش رو بستى؟

(۱۰) رضا رو شرکت امسال بهش پاداش نداده.

بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که باتوجه‌به معیارهای شناسایی ساخت چپ‌نشانی (وستبری، ۲۰۱۶)، به‌جز ساخت‌هایی که تاکنون تحت عنوان ساخت چپ‌نشانی مطالعه شده‌اند، ساخت‌های دیگری را نیز می‌توان تحت این عنوان بررسی کرد. در داده‌های این پژوهش مثال‌هایی به‌چشم می‌خورد که تاکنون در بررسی‌های زبان‌شناسان زبان فارسی چپ‌نشانی در نظر گرفته نشده است؛ در صورتی که طبق تعریف ارائه‌شده از چپ‌نشانی می‌توان این نمونه‌ها را نیز در این دسته گنجانده؛ مانند جملات (۱۱) و (۱۲) که در آن عنصری از جمله به‌جای قرارگرفتن در جای اصلی خود، در آغاز بند واقع شده و عنصری هم‌مرجع در جایگاه اصلی آن قرار گرفته است.

(۱۱) قصاب گرون فروش محله ما، هیچ‌کس از اون خرید نمی‌کنه.

(۱۲) قصاب محله ما، هیچ‌کس از اون گرون فروش خرید نمی‌کنه.

نکته شایان توجه در مورد چنین جملاتی، درنگ قابل‌ملاحظه پس از سازه آغازین است که آن را به‌لحاظ آهنگی از ادامه بند جدا می‌کند. نکته چشمگیر دیگر درباره این جملات امکان استفاده از یک ضمیر منفصل یا یک گروه اسمی کامل به‌جای واژه‌بست به‌عنوان عنصر جایگزین است که در صورت استفاده از این عناصر، استفاده از «را» پس از سازه آغازین مجاز نیست. بنابراین، در چنین ساخت‌هایی، برخلاف ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی، حضور «را» نه‌تنها اجباری نیست؛ بلکه در مواردی همچون مثال (۱۳) موجب بدساختی جمله می‌شود.

(۱۳) *قصاب محله ما را، هیچ‌کس از اون گرون فروش خرید نمی‌کنه.

پیش‌تر اشاره کردیم که طبق نظر زبان‌شناسانی چون ریمزدیک (۱۹۹۷)، چینکوئه (۱۹۹۰) و وستبری (۲۰۱۶)، عنصر جایگزین در ساخت چپ‌نشانی منفصل می‌تواند یک ضمیر قوی مانند ضمیر شخصی معمولی، یک ضمیر ضعیف مانند یک واژه‌بست یا حتی یک عبارت توصیفی باشد. داده (۱۴) نشان

۱. ضمیر قوی نسبت به ضمیر ضعیف از استقلال آوایی بیشتری برخوردار هستند.

می‌دهد که در زبان فارسی نیز عنصر جایگزین در چپ‌نشانی منفصل می‌تواند هریک از عناصر مذکور باشد.

۱۴ الف. حسن، شهرداری خونه‌ اون رو خراب کرده.

ب. حسن، شهرداری خونه‌ش رو خراب کرده.

ج. حسن، شهرداری خونه‌ اون بیچاره رو خراب کرده.

براساس توضیحات ارائه‌شده، در پژوهش حاضر ساخت چپ‌نشانی زبان فارسی به دو دسته چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی منفصل تقسیم می‌شود. طبق این تحلیل، ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی ساختی است که در آن تنها امکان استفاده از یک واژه‌بست به‌عنوان عنصر جایگزین امکان‌پذیر است و در صورتی که این فرایند بر سازه‌ای به‌غیر از فاعل اعمال شود، استفاده از «را» پس از سازه‌ آغازین در آن اجباری است. در مقابل، عنصر جایگزین در ساخت چپ‌نشانی منفصل علاوه‌بر واژه‌بست می‌تواند یک ضمیر منفصل یا یک گروه نحوی کامل نیز باشد و سازه‌ آغازین در آن با وقفه‌ای طولانی‌تر همراه می‌شود و استفاده از «را» پس از آن مجاز نیست. در پاسخ به این پرسش که آیا زبان فارسی دارای ساخت چپ‌نشانی تقابلی نیز هست یا خیر؟ باید بگوییم که اگرچه در زبان فارسی هم می‌توان از یک ضمیر اشاره به‌عنوان عنصر جایگزین در ساخت چپ‌نشانی استفاده کرد، ارتقای این عنصر به جایگاه پس از سازه‌ آغازین که حرکتی اجباری در چپ‌نشانی تقابلی است، صورت نمی‌پذیرد و ساخت حاصل با ساخت چپ‌نشانی منفصل در زبان فارسی تفاوتی ندارد. همچنین، در ساخت چپ‌نشانی تقابلی در زبان‌هایی مانند زبان هلندی، سازه‌ آغازین با جایگاه اصلی خود در بند ارتباط قوی نحوی دارد؛ به این معنا که بین این دو جایگاه تطابق حالت وجود دارد و سازه‌ آغازین از طریق بازسازی در صورت منطقی تعبیر می‌شود. بنابراین، اگر فارسی را واجد ساخت چپ‌نشانی تقابلی بدانیم، باید جمله (۱۵) که در آن عنصر جایگزین سازه‌ چپ‌نشان ضمیر اشاره‌ای است که به جایگاه پس از سازه‌ آغازین ارتقا یافته و با این سازه تطابق حالت دارد، قابل قبول باشد. اما نادستوری بودن این جمله نشان می‌دهد که زبان فارسی فاقد ساختی با ویژگی‌های ساخت چپ‌نشانی تقابلی است.

۱۵ *علی رو، اون رو زهرا تو پارک دید.

در نتیجه، زبان فارسی را فقط دارای دو نوع چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی می‌دانیم.

۴- ویژگی‌های ساختاری چپ‌نشانی در زبان فارسی

در این بخش، اختلاف دو ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی منفصل را در زبان فارسی، با در نظر گرفتن معیارهای وجود ارتباط نحوی از یک سو و محدودیت‌های توزیعی حاکم بر این دو ساخت از سوی دیگر مطالعه می‌کنیم.

۴-۱ ارتباط نحوی

در این زیربخش ارتباط نحوی در دو ساخت چپ‌نشانی منفصل و چپ‌نشانی واژه‌بستی را از دو منظر بازسازی و محدودیت جزایر نحوی بررسی می‌کنیم.

۴-۱-۱ بازسازی

در بازسازی کپی عنصر حرکت کرده برای تعبیر در صورت منطقی در دسترس است. چپ‌نکوئه مفهوم بازسازی در ساخت‌های چپ‌نشانی را چنین تعریف می‌کند که گروه نحوی چپ‌نشان در روابط مختلف نحوی و منطقی به گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی در جایگاه اصلی خود در بند و در جای عنصر جایگزین قرار دارد (۱۹۹۰: ۱۰۱). زبان‌شناسانی چون چپ‌نکوئه (۱۹۹۰: ۱۰۲-۱۰۵) در زبان ایتالیایی و وت (۱۹۸۱: ۷۱-۷۷) در زبان هلندی بازسازی را در ساخت چپ‌نشانی از منظر اصول مرجع‌گزینی بررسی کرده‌اند. نتیجه بررسی این پژوهشگران نشان می‌دهد که سازه آغازین در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی و تقابلی از طریق بازسازی در صورت منطقی تعبیر می‌شود؛ در مقابل، تعبیر سازه آغازین در چپ‌نشانی منفصل از طریق بازسازی صورت نمی‌پذیرد.

در بررسی اصل A مرجع‌گزینی، تعبیر ضمائر ارجاعی مطالعه می‌شود. برای بررسی اصل A مرجع‌گزینی در ساخت چپ‌نشانی زبان فارسی، تعبیر ضمیر دوسویه «همدیگر» را مطالعه می‌کنیم. در این خصوص، دو ساخت متفاوت قابل بررسی است: ساخت‌هایی که در آن این ضمیر دوسویه به تنهایی چپ‌نشان می‌شود و ساخت‌هایی که در آن سازه آغازین یک ترکیب اضافی شامل این ضمیر دوسویه است. همان‌طور که در داده‌های (۱۶ ب) و (۱۶ ج) مشاهده می‌شود، ضمیر دوسویه «همدیگر» در هیچ‌یک از انواع ساخت چپ‌نشانی نمی‌تواند به تنهایی چپ‌نشان شود.

۱۶ الف. بچه‌ها؛ لباس‌های همدیگر؛ رو می‌پوشن.

ب. *همدیگر؛ رو بچه‌ها لباسشون؛ رو می‌پوشن.

ج. *همدیگر، بچه‌ها لباسای اونا رو می‌پوشن.

وت این مسئله را چنین تبیین می‌کند که اصولاً ضمائر دوسویه عناصر مقیدی هستند که نمی‌توانند به‌تنهایی به‌عنوان مرجعی برای ضمائر معمولی یا واژه‌بستی به‌کار روند (۱۹۸۱: ۷۲). بنابراین، تفاوت دو ساخت چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی را نمی‌توان در چنین جملاتی نشان داد. اما تفاوت این دو ساخت در جملاتی قابل‌بررسی است که در آن سازه چپ‌نشان یک ترکیب اضافی شامل ضمائر ارجاعی است.

۱۷) الف. فروشنده‌ها برای اجناس مغازه‌های همدیگه تبلیغ می‌کنن.

ب. مغازه‌های همدیگه رو، فروشنده‌ها برای اجناسشون تبلیغ می‌کنن.

ج. *مغازه‌های همدیگه، فروشنده‌ها برای اجناس اون‌ها تبلیغ می‌کنن.

خوش‌ساختی جمله (۱۷ ب) نشان‌دهنده وجود ارتباط نحوی بین سازه آغازین و بند مربوطه در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی است؛ زیرا تعبیر ضمیر دوسویه «همدیگر» در این جمله از طریق بازسازی صورت می‌پذیرد. در مقابل، در ساخت چپ‌نشانی منفصل (۱۷ ج)، ارتباط نحوی ضعیف، مانع از بازسازی و تعبیر ضمیر دوسویه و در نتیجه، باعث نادرستی شدن ساخت شده است. بنابر آنچه گفته شد در چپ‌نشانی واژه‌بستی، در مقایسه با چپ‌نشانی منفصل زبان فارسی، از منظر اصل A مرجع‌گزینی شاهد ارتباط نحوی قوی‌تری بین سازه چپ‌نشان و عنصر جایگزین هستیم.

طبق اصل B مرجع‌گزینی، ضمائر باید در حوزه حاکمیت کمیته خود آزاد باشند. پیش‌تر گفتیم که عنصر جایگزین در ساخت چپ‌نشانی منفصل می‌تواند یک ضمیر شخصی منفصل باشد. همین مسئله نشان می‌دهد که در چنین ساخت‌هایی بین سازه چپ‌نشان و ادامه بند ارتباط نحوی ضعیف است. در جمله (۱۸) اگر جایگاه آغازین با جایگاه عنصر جایگزین در بند از ارتباط نحوی ضعیف بود، عنصر آغازین، ضمیر منفصل را مقید می‌کرد؛ در نتیجه، جمله بدساخت می‌شد؛ در حالی که خوش‌ساختی این جمله نشان می‌دهد که این ارتباط نحوی وجود ندارد. این در حالی است که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی به‌علت وجود ارتباط نحوی قوی بین سازه چپ‌نشان و ادامه بند نمی‌توان از یک ضمیر منفصل به‌جای عنصر جایگزین استفاده کرد.

۱۸) مریم، من با اون کاری ندارم.

اصل C مرجع‌گزینی درباره عبارات ارجاعی است که طبق آن، مرجع عبارات ارجاعی در خارج از بافت زبانی است و این عبارات نباید در حوزه حاکمیت کمیته یا خارج از آن مقید شوند. بدساختی

جمله (۱۹ ب) به دلیل وجود ارتباط نحوی قوی بین سازه آغازین و بند مربوطه در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی است. به دلیل وجود این ارتباط نحوی بین سازه آغازین و عنصر جایگزین در بند، عبارت ارجاعی «علی» توسط عبارت توصیفی «اون حواس پرت» مقید می‌شود؛ در نتیجه، اصل A مرجع‌گزینی نقض می‌گردد. در این ساخت اگر وجود ارتباط نحوی را در نظر نگیریم، تبیین بدساختی جمله ناممکن می‌شود. اما اینکه داده (۲۰ ب) در مقایسه با جمله (۱۹ ب) جمله قابل‌قبول‌تری است، نشان از آن دارد که در ساخت چپ‌نشانی مفصل این ارتباط نحوی ضعیف‌تر است.

۱۹) الف. ماشین علی؛ رو دوباره اون حواس پرت؛ کلیدشو گم کرد.

ب. *ماشین علی؛ رو دوباره اون حواس پرت؛ کلیدشو گم کرد.

۲۰) الف. ماشین علی؛ دوباره اون حواس پرت؛ کلیدشو گم کرد.

ب. ماشین علی؛ دوباره اون حواس پرت؛ کلیدشو گم کرد.

بنابراین، از منظر اصل C مرجع‌گزینی نیز می‌توان وجود ارتباط نحوی قوی‌تر سازه چپ‌نشان و ادامه بند را در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در مقایسه با چپ‌نشانی مفصل نشان داد.

۴-۱-۲ محدودیت جزایر نحوی

در بخش گذشته، ارتباط نحوی بین سازه آغازین و ادامه بند را در چپ‌نشانی واژه‌بستی نشان دادیم. در متون پژوهشی، دو رویکرد برای تبیین این ارتباط نحوی وجود دارد. در رویکرد نخست (که رویکرد پژوهشگرانی چون چینکوئه (۱۹۹۰) و یاتریدو (۱۹۹۱) است)، گروه نحوی آغازین، از ابتدا در جایگاه مبتدا (خارج از بند) تولید می‌شود و با یک گروه نحوی درون جمله از لحاظ مقوله‌ای هم‌نمایه است. این گروه می‌تواند به لحاظ آوایی بدون محتوا باشد و یک ضمیر واژه‌بستی آن را مقید کند. مجموعه این عناصر، زنجیره‌ای را تشکیل می‌دهند که در واقع موضوع به کل این زنجیره اطلاق می‌شود که تمام قواعد نحوی (مانند مسائل مربوط به حاکمیت یا اعطای نقش تتا و نظایر آن) به کل آن زنجیره اعمال می‌شود. در رویکرد دوم (که رویکرد پژوهشگرانی چون چینکوئه (۱۹۷۷) است)، گروه نحوی آغازین، ابتدا در جایگاه موضوعی خود در جمله تولید می‌شود و تمام قواعد سطح نحوی و سطح منطقی در همان جایگاه بر آن اعمال می‌شود و در نهایت، به جایگاه آغازی جمله حرکت می‌کند و از خود یک کپی به صورت یک ضمیر هم‌مرجع به جا می‌گذارد. در پژوهش حاضر، فارغ از اینکه کدام یک از این دو

رویکرد تبیین بهتری برای ارتباط نحوی موجود در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی ارائه می‌دهد؛ نشان می‌دهیم که ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی در مقایسه با ساخت چپ‌نشانی منفصل در این زبان، به محدودیت جزایر نحوی حساسیت بیشتری دارد؛ به این معنا که اگر جایگاه اولیه سازه آغازین درون یک جزیره باشد، چپ‌نشانی واژه‌بستی آن به بدساختی جمله منجر می‌شود. جزایر نحوی محدودیتی است که حرکت سازه‌ای را از درون ساخت خاصی محدود می‌کند. به عبارت دیگر، ساخت جزیره‌ای ساختی است که برای سازه‌های درون آن هیچ راه خروجی وجود ندارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۰). پهلوان‌نژاد (۱۳۸۷) با برشمردن انواع جزایر نحوی، به مطالعه این ساخت‌ها در زبان فارسی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در فارسی نیز خروج از جزایر نحوی همچون گروه اسمی مرکب و جملات هم‌پایه مجاز نیست. داده (۲۱) نشان می‌دهد که چپ‌نشانی واژه‌بستی نیز از درون گروه اسمی مرکب ممکن نیست.

(۲۱) الف. من [این ادعا که فرهاد برادر رضا رو کشته] باور نمی‌کنم.

ب. *رضا؛ رو من [این ادعا که فرهاد برادرش؛ رو کشته] باور نمی‌کنم.

در قیاس با جمله (۲۱)، قابل قبول بودن جمله (۲۲) نشان می‌دهد که ساخت چپ‌نشانی منفصل حساسیت کمتری به محدودیت جزایر نحوی دارد.

(۲۲) رضا؛ من [این ادعا که فرهاد برادر اون؛ رو کشته] باور نمی‌کنم.

پهلوان‌نژاد نشان می‌دهد که در زبان فارسی دو گروه اسمی هم‌پایه نیز ساختی جزیره‌ای محسوب می‌شود. داده (۲۳) نشان می‌دهد که چپ‌نشانی واژه‌بستی هم از درون گروه‌های اسمی هم‌پایه مجاز نیست.

(۲۳) الف. علی تو کلاس بین فرهاد و برادر رضا نشسته بود.

ب. *رضا؛ رو علی تو کلاس بین فرهاد و برادرش؛ نشسته بود.

بنابراین، در زبان فارسی چپ‌نشانی واژه‌بستی به محدودیت جزایر نحوی حساس است. پهلوان‌نژاد

۱. بررسی اینکه سازه آغازین در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی زبان فارسی محصول حرکت است یا در جایگاه آغازین تولید شده است، بحث مفصلی است که در این پژوهش نمی‌گنجد و مطالعه آن را به پژوهشی دیگر موکول می‌کنیم. این مطلب که چینکوئه (۱۹۹۰) علی‌رغم حساسیت ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی به جزایر نحوی معتقد به مشتق در پایه بودن این ساخت است، در متون پژوهشی تحت عنوان تناقض چینکوئه مطالعه شده و علت این امر را پژوهشگرانی چون یاتریدو (۱۹۹۱) تبیین کرده است.

معتقد است از آنجایی که سخنوران زبان، محدودیت‌های حرکت سازه‌های زبانی را در ذهن دارند، ناخودآگاه از حرکت دادن عناصر درون جزایر نحوی خودداری می‌کنند. اما اگر گاهی به اشتباه، سازه‌ای از یک جزیره را در آغاز بند به کار برند، به جبران آن، در جایگاه اصلی آن سازه در بند از یک ضمیر جبرانی استفاده می‌کنند. پهلوان‌نژاد عنوانی برای ساخت‌های ایجادشده بر اثر استفاده از ضمیر جبرانی ذکر کرده است؛ ولی در واقع ساخت مورد اشاره وی، ساخت چپ‌نشانی منفصل است. در داده‌های (۲۴) و (۲۵) حضور ضمیر شخصی منفصل ساخت را نجات داده است.

(۲۴) رضاه، قاضی این ادعا که فرهاد برادر اون؛ رو کشته باور نمی‌کنه.

(۲۵) رضاه، علی تو کلاس بین فرهاد و برادر اون؛ نشسته بود.

این داده‌ها نشان می‌دهد که چپ‌نشانی منفصل در مقایسه با چپ‌نشانی واژه‌بستی به محدودیت جزایر نحوی حساسیت کمتری دارد.

طبق تحلیل‌های ارائه‌شده از داده‌های زبان فارسی، شاهد وجود دو نوع متفاوت از ساخت چپ‌نشانی بودیم که علاوه بر مشخصه‌های صوری، از لحاظ ارتباط نحوی سازه آغازین با ادامه بند باهم متفاوت هستند. در ادامه، از منظر محدودیت‌های توزیعی به تفاوت دو نوع ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی و منفصل در زبان فارسی می‌پردازیم.

۴-۲ محدودیت‌های توزیعی ناظر بر چپ‌نشانی در زبان فارسی

در این زیربخش به مسائل مربوط به محدودیت‌های توزیعی انواع ساخت چپ‌نشانی می‌پردازیم. داده‌های زبان فارسی حاکی از آن است که ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی علاوه بر بندهای پایه، در بندهای پیرو نیز رخ می‌دهد. این درحالی است که چپ‌نشانی منفصل تنها در بندهای پایه امکان وقوع دارد. داده‌های (۲۶)، (۲۷) و (۲۸) نشان می‌دهد که در انواع جملات مرکب، چپ‌نشانی واژه‌بستی از درون بندهای پیرو جملات خوش‌ساخت‌تری نسبت به چپ‌نشانی منفصل از درون بندهای پیرو به دست می‌دهد.

(۲۶) الف. عمیقاً معتقدم که این کتاب؛ رو باید توی طراحی جلدش؛ تجدیدنظر کنین.

ب. *عمیقاً معتقدم که این کتاب؛ رو باید توی طراحی جلد اون؛ تجدیدنظر کنین.

(۲۷) الف. علی امیدواره این ترم؛ رو درس هاش؛ رو پاس کنه.

ب. *علی امیدواره این ترم؛ رو درس‌های اون؛ رو پاس کنه.

(۲۸) الف. رضا سعی می‌کنه گذشته؛ رو خاطراتش؛ رو فراموش کنه.

ب. *رضا سعی می‌کنه گذشته؛ خاطرات اون؛ رو فراموش کنه.

در مورد محدودیت تعداد عناصر چپ‌نشان در یک بند، قمشی (۱۹۹۷) به جملات به‌تعبیر وی نادری در زبان فارسی، از جمله داده (۲۹) اشاره می‌کند که در آن بیش از یک سازه، چپ‌نشان شده است. دبیرمقدم (۱۳۶۹) نیز با ارائه داده (۳۰) نشان می‌دهد که در زبان فارسی می‌توان بیش از یک سازه را چپ‌نشان کرد.

(۲۹) لوبیا رو پختشو سردشو دوست دارم.

(۳۰) بچه رو پیرهش رو دکمه‌شو بدوز.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این جملات که نمونه‌هایی از ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی هستند، امکان چپ‌نشان کردن بیش از یک سازه وجود دارد. در مقابل، داده (۳۱) نشان می‌دهد که در چپ‌نشانی منفصل نمی‌توان بیش از یک سازه را چپ‌نشان کرد.

(۳۱) *بچه، پیرهش اون، دکمه اون رو بدوز.

بنابراین دو ساخت چپ‌نشانی منفصل و واژه‌بستی از منظر محدودیت‌های توزیعی نیز باهم متفاوت‌اند.

همان‌طور که مشاهده شد، در ساخت چپ‌نشانی منفصل در زبان فارسی بین سازه چپ‌نشان و عنصر جایگزین ارتباط نحوی به قوتی وجود ندارد که در ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی برقرار است. همچنین، ساخت چپ‌نشانی منفصل نسبت به چپ‌نشانی واژه‌بستی به محدودیت جزایر نحوی حساسیت کمتری دارد. چینکوئه (۱۹۹۰: ۱۱۰) معتقد است این ویژگی‌ها حاکی از آن است که قاعده حاکم بر ساخت چپ‌نشانی منفصل، نه از نوع قواعد حاکم بر دستور جمله بلکه از نوع اصول حاکم بر کلام است. براین اساس، رابطه بین سازه آغازین و عنصر جایگزین در چپ‌نشانی منفصل مانند رابطه هم‌نمایگی در دو جمله جداست که در متن در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

۵- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مطالعه انواع ساخت چپ‌نشانی در زبان فارسی پرداختیم. در این خصوص، دو نوع

چپ‌نشانی واژه‌بستی و منفصل را در زبان فارسی معرفی و ویژگی‌های هرکدام را بررسی کردیم. ویژگی‌های نحوی این دو ساخت را، هم از لحاظ میزان ارتباط نحوی سازه آغازین با بند مربوطه و هم از لحاظ محدودیت‌های توزیعی حاکم بر آن‌ها مقایسه کردیم. مشاهده کردیم که ساخت چپ‌نشانی منفصل در مقایسه با ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی، محدودیت‌های توزیعی بیشتر و ارتباط نحوی کمتری را از خود به نمایش می‌گذارد. این تمایز ساختاری، فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه زبان فارسی دو نوع ساخت چپ‌نشانی واژه‌بستی و چپ‌نشانی منفصل را دارد، تقویت می‌کند.

علی‌رغم اینکه چپ‌نشانی منفصل در زبان فارسی گفتاری، ساختی بسیار رایج است، تاکنون مورد توجه پژوهشگران واقع نشده و برای بار نخست در این پژوهش به آن پرداخته شده است. البته از آنجایی که چپ‌نشانی، ساختی نشان‌دار است، بی‌شک عوامل کاربردشناختی و گفتمانی در رخداد آن مؤثر است؛ بنابراین، برای نشان دادن تفاوت این دو نوع چپ‌نشانی، بررسی عوامل کاربردشناختی مؤثر در به‌کاربردن هر یک از این دو ساخت برای مطالعات آینده پیشنهاد می‌شود.

منابع

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۷). ساخت‌های جزیره‌ای در زبان فارسی. *ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، (۱۹)، ۵۹-۶۹.
- تفکری رضایی، شجاع (۱۳۹۰، آذر). حرکت در فک اضافه در زبان فارسی. *همایش علمی سالانه دانشگاه رازی*، کرمانشاه.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹). پیرامون «را» در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۷(۱)، ۲-۶۰.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۰). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.
- درزی، علی (۱۳۸۵). ضرورت تمایز میان فرایند ارتقا و مبتداسازی در زبان فارسی. *ویژنامه فرهنگستان (دستور)*، (۲)، ۱۶۱-۱۸۷.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۴۹). «را» در زبان فارسی امروز. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، (۹۳)، ۹-۲۲.
- معزی‌پور، فرهاد (۱۳۹۸). *بحثی در باب چپ‌نشانی فارسی و چالش‌های نظری آن برای دستور نقش و ارجاع*. *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۴۵-۶۴.

References

- Cinque, G. (1977). The movement nature of Left-Dislocation. *Linguistic Inquiry*, 8(2), 397-412.

- Cinque, G. (1990). *Types of \bar{A} -dependencies*. Cambridge Ma: MIT Press.
- DabirMoghaddam, M. (1990). About 'ra' in Persian. *Journal of Linguistics*, 7(1), 2-60 (In Persain).
- DabirMoghaddam, M. (2011). *Theoretical linguistics: Emergence and development of generative grammar*. Tehran: Samt (In Persian).
- Darzi, A. (2006). The need to distinguish between the process of raising and topicalization in the Persian language. *Syntax*, (2), 161-187 (In Persian).
- Ghomeshi, J. (1997). Topics in Persian VPs. *Lingua*, 102, 133-167.
- Iatridou, S. (1991). Clitics and island effects. *Upenn Working Papers in Linguistics*, 2.
- Karimi, S. (1990). Obliqueness, specificity, and discourse functions. *Linguistic Analysis*, 20(3/4), 191-139.
- Lambrecht, K. (2001). Dislocation. In M. Haspelmath, E. Konig, W. Oesterreicher & W. Raible (Eds.), *Typology and Language Universals* (pp. 1050–1078). Berlin: Walter de Gruyter.
- Moezzi Pour, F. (2019). A remark on Persian left-dislocation and the related challenges for role and reference. *Journal of Researches in Linguistics*, 11(2), 45-64 (In Persian).
- Pahlavannejad, M. (2008). Island structures in Persian language. *Persian Literature Quarterly*, (19), 59-69 (In Persian).
- Riemsdijk, H. (1997). Left dislocation. In Anagnosto, p (Ed.), *Materials on Left Dislocation* (pp. 1-10). Amsterdam: John Benjamins publishing.
- Rodman, R. (1974). On left dislocation. *Papers in Linguistics*, 7, 437-466.
- Ross, J. (1967). *Constraints on variables in syntax*. Doctoral dissertation, MIT.
- Sadeghi, A.A. (1970). ra in today Persian. *Tabriz Faculty of Literature and Humanities*, (93), 9-22 (In Persian).
- Tafakori Rezaei, Sh. (2011, December). Movement in Persian Fak-e-Ezafe. *Annual Scientific Conference Razi University, Kermanshah* (In Persain).
- Vat, J. (1981). *Left dislocation, connectedness and reconstruction*. unpublished article. University of Amsterdam.
- Westbury, J. (2016). Left dislocation: A typological overview. *Stellenbosch Papers in Linguistics*, 50, 21-45.